

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No: B/10

Chamber Two

پرونده شماره ب / ۱۰

شعبه دو

حکم شماره ۲- ب ۱۰-۳۳۷

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران- ایالات متحده
FILED - ثبت شده	
Date	تاریخ
5 8 1974 ۱۳۶۶ / ۹ / ۹	
No.	شماره
B10	

شرکت هواپیمایی ملی ایران،

خواهان،

- و -

دولت ایالات متحده امریکا،

خوانده.

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

حکم

حاضران :

از طرف خواهان: آقای محمد کریم اشراق،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،

دکتر اکبر شیرازی،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای عبدالمجید عقیقی،

دستیار نماینده رابط،

آقای محمدرضا اسکری،

آقای غفار کاوه،

آقای گارابید منصوریان،

آقای جلال آل حسین،

نمایندگان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران.

از طرف خواننده: خانم لوسی اف. رید،
وکیل مشاور وزارت امور خارجه ایالات متحده.
آقای مایکل رابوین،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

اول - دعاوی

۱ - شرکت هواپیمایی ملی ایران ("ایران ایر")، (خواهان) در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ [۲۵ دی ماه ۱۳۶۰] دادخواستی علیه دولت ایالات متحده آمریکا ("خوانده") به ثبت رساند. ایران ایر در رابطه با شش فقره صورتحساب که ادعا می شود پرداخت نشده است، مبلغ ۱،۳۹۲/۸۲ دلار آمریکا بعلاوه بهره، مطالبه می نماید. ایران ایر چهار فقره از شش فقره صورتحساب را در رابطه با بارنامه دولت ایالات متحده (GBL) (۱) که حسب ادعا برای خدماتی که به منظور حمل هوایی کالا برای سازمانهای مختلف دولت ایالات متحده تأمین شده، صادر کرده است. دو فقره صورتحساب دیگر در رابطه با فرمهای درخواست دولت ایالات متحده برای صدور بلیط (GTR) (۲) می باشد، که حسب ادعا بابت بهای بلیط های مسافرت هوایی با ایران ایر است که به مأمورین دولت ایالات متحده فروخته شده است. خواهان صورتحسابهای خدمات مختلف را به تاریخهای مختلف در فاصله بین ژوئن ۱۹۶۷ و اکتبر ۱۹۷۹ صادر نموده است.

۲ - جلسه استماع این پرونده و پرونده های شماره ب / ۸، ب / ۹، و ب / ۱۲، و ب / ۵۱ تواماً در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۸۶ [۱۹ آبان ماه ۱۳۶۵] برگزار شد.

(۱) بارنامه دولت ایالات متحده ("GBL") سند رسمی دولت ایالات متحده برای حمل بار می باشد. این نکته در حکم شماره ۲- ب ۹ - ۳۳۵ پرونده ب / ۹ بنحو کاملتر تشریح شده است.

(۲) فرم درخواست دولت ایالات متحده برای صدور بلیط، فرم رسمی اجازه سفر و تهیه بلیط برای مسافرانی است که به هزینه دولت سفر می کنند. این نکته در حکم شماره ۲- ب ۱۲-۳۳۶ پرونده ب / ۱۲ بنحو کاملتر تشریح شده است.

دوم - صلاحیت

۳ - بنا به دلایلی که در احکام شماره ۲- ب ۹-۳۳۳ و ۲- ب ۱۲-۳۳۴ صادره در پرونده‌های شماره ب / ۹ و ب / ۱۲ بیان شده، دیوان داوری بر این عقیده است که به موجب بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی صلاحیت رسیدگی به این ادعا را دارد.

سوم - دلایل حکم

۱ - مرور زمان و قانون حاکم

۴ - دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که طرفین در مورد قانون حاکم بر این معاملات اختلاف نظر دارند. خواننده استدلال می‌نماید که قوانین ایالات متحده بر معاملات مربوط به فرمهای GBL و GTR حاکم است. خواهان شمول قوانین ایالات متحده در مورد این معاملات را مردود دانسته و استدلال می‌نماید که بلیط‌ها و برنامه‌های هوایی ایران ایر تابع قوانین ایران است. خواهان بطور کلی استدلال می‌نماید که تسلیم فرم‌های مربوطه ایالات متحده برای حمل هوایی کالا و سفر هوایی همراه با صورت‌حسابهای صادره نباید بمنزله اذعان خواهان به این امر تلقی شود که در صورت بروز اختلاف، قوانین و مقررات ایالات متحده حاکم خواهد بود.

۵ - بنا به دلایلی که در رابطه با حمل هوایی کالا و خدمات حمل و نقل مسافر بترتیب در احکام شماره ۲- ب ۹-۳۳۵ و ۲- ب ۱۲-۳۳۶ صادره در پرونده‌های شماره ب / ۹ و ب / ۱۲ بیان شده است، دیوان داوری بر این عقیده است که می‌تواند بدون ورود به بحث در مورد قانون حاکم، کلیه مسائل را با توجه به رویه طرفین و مفاد اسناد قرارداد حل نماید.

۶ - یکی از استدلال‌های اساسی خواننده آنست که مقررات ذیربط ایالات متحده در مورد مرور زمان یا اعمال اصل مرور زمان مسقط در حقوق بین‌الملل، مطالبه وجه پنج فقره از شش فقره صورتحساب مورد اختلاف در این پرونده را، که قبل از سال ۱۹۷۶ صادر شده‌اند منع می‌کند.

۷ - پاسخ‌های خواهان به این دفاعیات آنست که مقررات ایالات متحده در مورد مرور زمان و اصول مرور زمان مسقط قابل اعمال نیست، و خواهان مرتباً خواننده را از صورتحساب‌های عقب افتاده مطلع ساخته و بدان وسیله مرور زمانی را که می‌توانست در غیراینصورت مبنایی برای دفاع خواننده براساس مرور زمان مسقط بدست دهد، قطع کرده است. خواهان رونوشت نامه‌هایی را که در مورد صورتحساب‌های مربوط به این پرونده به خواننده نوشته، به دیوان تسلیم نموده است.

۸ - دیوان داوری قبلاً نظر داده است که قوانین داخلی راجع به مرور زمان لزوماً در مورد دعاوی مطروح در دیوان‌های بین‌المللی لازم‌الرعایه نیست. ولی در تعیین اثرات تأخیر غیرمعقول در طرح ادعا در دیوان‌های فوق، می‌توان این مدت‌ها را مد نظر قرار داد. رجوع شود به: ص ۱۵ و ۱۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۴۶-۷۱ مورخ دوم سپتامبر ۱۹۸۳ [۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲] صادره در پرونده الن کریگ و وزارت نیروی ایران و سایرین، و ص ۴۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۴۴ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ [۲۲ تیر ماه ۱۳۶۳] صادره در پرونده هارنیشگر کوریوریشن و وزارت راه و ترابری و سایرین.

۹ - اما، مرور زمانی که در قرارداد تعیین شده، قابل اجراست. رجوع شود به ص ۱۴ [متن انگلیسی] قرار اعدادی شماره ب ۱/۶۰ مورخ چهارم آوریل ۱۹۸۶ [۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۵] دیوان عمومی صادره در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، و ص ۸ تا ۱۰ [متن انگلیسی] حکم شماره

۲-۱۰۰۳۵-۲۵۲ مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۶ [۲۱ شهریور ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده کارولینا براس، اینکوریوریتد و شرکت ملی کشتیرانی آریا، شرکت سهامی با مسئولیت محدود و سایرین.

۱۰ - از آنجا که دعاوی مطروح در این پرونده بر ترتیبات قراردادی مبتنی می باشند، دیوان اول باید تعیین نماید که آیا طبق شرایط قرارداد طرح احدی از این دعاوی ممنوع است یا خیر. بنا به دلایلی که در پرونده های شماره ب / ۹ و ب / ۱۲ مذکور در فوق بیان شده، نظر دیوان آنست که در قراردادهای بین طرفین هیچ شرطی راجع به مرور زمان وجود ندارد.

۱۱ - در مورد استدلال دیگر خواننده، دیوان متوجه است که مرور زمان مسقط یکی از اصول مسلم حقوق بین الملل عمومی است که دیوان های بین المللی آنرا اعمال کرده اند. I. Brownlie, Principles of Public International Law, 505-6 (3d ed. 1979). لیکن، با توجه به ماهیت تجاری معاملات مورد اختلاف، دیوان اعمال اصل مرور زمان مسقط را بعنوان یک اصل حقوق بین الملل عمومی مقتضی نمی داند. بنابراین، دیوان با توجه به اینکه آیا خواهان خواننده را با تاخیر غیرمعقول، از دعاوی خود مطلع ساخته که بدان دلیل ملزم نمودن خواننده به پاسخگویی به اینگونه دعاوی کهنه غیرمنصفانه است، یا خیر، در مورد مسئله مرور زمان تصمیم خواهد گرفت. دیوان در این رابطه توجه دارد که در عرف تجاری یکی از هدفهای محدودیت زمانی، آنست که طرفین بتوانند [مثلاً] در صورت عدم بروز اختلاف و انقضای مدت زمان معین، سوابق غیر ضروری را دور بریزند. رجوع شود به: بند ۸ [حکم صادره در پرونده کارولینا براس، مذکور در فوق].

۱۲ - دیوان داوری متذکر می گردد که طرفین از تصمیم دادگاه دعاوی ایالات متحده دایر براینکه ایران ایر می توانسته تا شش سال پس از تامین خدمات، این قبیل دعاوی را

در هر زمان در ایالات متحده طرح کند، آگاه بوده‌اند. رجوع شود به: Iran National Airlines Corp. v. The United States, 360 F.2d 640 (1966). بدین ترتیب، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال این پرونده، و با توجه به اینکه هیچیک از شرایط قرارداد مدت کوتاه‌تری را قید نکرده، و نیز لازم بود سوابق لاقبل تا آن مدت نگهداشته شود، تا شش سال تاخیر در طرح ادعا غیرمعقول نیست. اما، توقع اینکه پس از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ [۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۹]، یعنی تاریخ صدور دستور اجرائی شماره ۱۲۲۱۱ که طی آن رئیس جمهوری ایالات متحده اعلام کرد که دستور مزبور منجر به بسته شدن دفاتر ایران ایر در ایالات متحده خواهد گردید، خواهان فرصت واقع بینانه‌ای برای طرح ادعا علیه خواننده در دادگاه دعوی ایالات متحده داشته است، عقلائی نیست. در نتیجه، دیوان در این پرونده تنها مسئله تاخیر نامعقول را در رابطه با صورتحسابهایی که قبل از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۷۴ [۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۳] ارائه شده، بررسی خواهد کرد(۳).

۱۳ - در بررسی مسئله تاخیر نامعقول، به نظر دیوان این توقع از خواننده منصفانه نیست که وی سوابق خود را بدون هیچ اخطار مفصلی تا هنگام ثبت این دعوی در سال ۱۹۸۲، یعنی پس از سالها سکوت خواهان، نگهداشته باشد. به نظر دیوان همچنین در اوضاع و احوالی که خواهان نشان داده که با جدیت خواننده را از مبالغ دقیقی که به موجب صورتحسابهای مشخص مطالبه می کرده است مطلع ساخته، به نحوی که بطور معقول انتظار می رفت که خواننده سوابق موجود را حفظ نموده یا در همان زمان به ماهیت پرسش های خواهان پاسخ دهد، منع طرح دعوی مربوط منصفانه نیست، هر چند که این دعوی مربوط به خدماتی باشد که قبل از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۷۴ [۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۳] تامین گردیده است.

(۳) دیوان متذکر می گردد که خدمات مورد بحث قبل از تاریخ صدور هر صورت حساب تامین شده است. لیکن، خواننده در جلسه استماع به اطلاع دیوان رساند که برای سهولت کار نسبت به استفاده از تاریخ صورتحساب بعنوان تاریخ ذیربط اعتراضی ندارد.

۱۴ - در این پرونده تنها سه فقره صورتحساب وجود دارد که قبل از تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۷۴ [۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۳] ارائه شده است و کلیه آنها مربوط به فاصله بین ۱۹۶۷، و ۱۹۶۹ می باشد. طبق مدارک تسلیمی خواهان، وی ابتدا در تاریخ اول آوریل ۱۹۷۵ [۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۴] یعنی پنج تا هشت سال پس از صدور صورتحسابها، در مورد دعاوی خود بابت معوق ماندن صورتحسابهای مزبور اظهارهایی به سازمان امریکایی مربوطه فرستاد. بعد از اظهار مزبور، خواهان نامه های دیگری در آن سال و سال ۱۹۷۶ ارسال نمود. با توجه به ملاحظات فوق، نظر دیوان این است که طرح دعاوی مبتنی بر صورتحسابهای شماره ۲۷۷۲۶، ۵۸۴۹۴، و ۵۸۴۹۷ بدلیل تاخیر نامعقول در طرح آنها، ممنوع می باشد(۴).

۲ - کفایت مدارک

۱۵ - خواننده بعنوان دفاع کلی همچنین استدلال می نماید که نسخه های اصلی فرم های GBL یا GTR همراه اکثر صورتحسابها فرستاده نشده و بدین ترتیب [چنین صورتحسابهایی] بصورت صحیح برای پرداخت ارائه نگردیده اند.

۱۶ - خواهان در پاسخ استدلال می نماید که چون قبلاً نسخه های اصلی GBL و GTR را همراه صورتحساب به منظور پرداخت تسلیم کرده است، اکنون دیگر نمی تواند نسخه های مزبور را ارائه نماید. خواهان مضافاً استدلال می نماید که حتی اگر خواننده نسخه های اصلی GBL و GTR را هم دریافت نکرده بود، فرصت آنرا داشت که هنگامی که خواهان مبالغ عقب افتاده صورتحسابها را به سازمان یا سازمانهای مربوطه یادآور می شد، مسئله عدم دریافت [نسخه های اصلی فرمهای مزبور] را مطرح نماید. طبق اظهار خواهان، پاسخ ندادن خواننده بمنزله تأیید تلویحی دریافت نسخه های اصلی GBL و GTR بصورت صحیح بوده است.

(۴) دیوان متذکر می گردد که خواهان، همانگونه که ذیلاً در قسمت بند الف - ۲ بخش سوم بحث شده، از عهده اثبات کافی دعاوی خود براساس صورتحسابهای مزبور نیز برنیامد.

۱۷ - دیوان با استدلال خوانده دایر براینکه خواهان برای اثبات دعاوی خود در این پرونده باید ملزم به ارائه نسخه های اصلی GBL و GTR باشد و یا روش های معمول در مورد GBL و GTR مفقود شده را رعایت نماید، موافق نیست. مقررات پرداخت ایالات متحده ناظر بر موضوع وجود دین نیست و در این پرونده تنها از دیوان خواسته شده که معین نماید آیا دیون معتبر پرداخت نشده ای وجود دارد یا خیر. برای آنکه خواهان بتواند اعتبار دعاوی خود را ثابت نماید باید نشان دهد که در رابطه با هر صورتحساب قراردادی برای حمل هوایی کالا یا مسافر با خوانده منعقد و خدمات مورد درخواست را تأمین کرده است.

۱۸ - خوانده مضافاً "مسئولیت خود در رابطه با تعداد زیادی از صورتحساب ها را به دلیل آنکه در برخی موارد هیچ مدرک مثبتی تسلیم نشده و یا در موارد دیگر هیچ نسخه ای از فرمهای GBL یا GTR تسلیم نگردیده، تا وجود قراردادی را با ایالات متحده ثابت نماید، انکار می کند. خواهان در پاسخ استدلال می نماید که دفاتر و سوابق آن برای اثبات وجود دین کافی است. نظر دیوان این است که برای اثبات وجود دین قراردادی لازم است که نسخه ای از GBL و یا نسخ GTR مربوطه و بلیط هواپیما یا در صورت موجود نبودن مدارک مزبور، مدارک دیگری که نشان دهنده صدور GBL یا GTR مورد اشاره در صورتحسابهاست، صورتحسابهای خواهان را تایید نماید.

۱۹ - دیوان ملاحظه می نماید که رویه طرفین آن بوده که ایران ایر مدارک مثبت لازم را به صورتحسابهای خود ضمیمه کند. در واقع در هر صورتحساب قید شده که مدارک مربوطه به آن منضم می باشد. دیوان در این دادرسی، هیچ گونه توضیحی در مورد عدم وجود مدارک موعود در رابطه با برخی صورتحسابها دریافت ننموده است. در نتیجه، دعاوی مبتنی بر صورتحسابهای شماره ۱۱۷۷۷۴ و ۱۱۸۰۵۷ که مدارک مربوطه را به همراه ندارند، به سبب فقد دلیل رد می شود.

۲۰ - از طرف دیگر، مدرک موئید (نسخه‌ای از GTR و کپی بلیطهای هواپیما) منضم به صورتحساب شماره ۱۵۷۸۷۶ مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ [۲۰ مهر ماه ۱۳۵۸] برای اثبات اعتبار ادعا کافی است و از آنجا که هیچیک از دفاعیات دیگر خوانده در مورد این صورتحساب تأیید نشده، نظر دیوان آنست که خوانده مسئول پرداخت تمام مبلغ مندرج در صورتحساب، یعنی ۶۷۶/۷۸ دلار آمریکا می باشد (۵).

۳ - خلاصه

۲۱ - دیوان ملاحظه می نماید که خواهان خدمات مزبور را برای سپاه صلح ایالات متحده تامین نموده است. براین اساس، سپاه صلح مسئول پرداخت مبلغ ۶۷۶/۷۸ دلار آمریکا به خواهان می باشد.

چهارم - بهره

۲۲ - به منظور جبران کامل خسارت خواهان بدلیل تاخیر [خوانده] در پرداخت مبالغی که مورد دین تشخیص داده شده است، دیوان مقرر می دارد که خوانده بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸] یعنی سی روز پس از تاریخ صورتحساب شماره ۱۵۷۸۷۶ لغایت تاریخ پرداخت [مبلغ حکم] به خواهان پردازد.

(۵) دیوان متذکر می گردد که خواهان در رابطه با این صورتحساب مبلغ ۴۶،۹۹۸ ریال مطالبه می نماید که آنرا به نرخ ۷۰/۶۰ ریال برای هر دلار تبدیل کرده و نتیجه این تبدیل ۶۶۵/۶۹ دلار شده است. اما، بلیط های هواپیما به دینار بحرین بوده که بعداً در صورتحساب به دلار آمریکا تبدیل شده است. خوانده در لوائج خود این مبلغ، یعنی ۶۷۶/۷۸ دلار را برای آن صورتحساب پذیرفته است.

پنجم - هزینه ها

۲۳ - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

ششم - حکم

۲۴ - بنا به دلایل فوق، دیوان داوری بشرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) خوانده، دولت ایالات متحده آمریکا ملزم است مبلغ ششصد و هفتاد و شش دلار و هفتاد و هشت سنت (۶۷۶/۷۸ دلار آمریکا) بعلاوه بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۷۹ [۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸] لغایت تاریخ پرداخت [مبلغ حکم]، به خواهان شرکت هواپیمایی ملی ایران بپردازد.

(ب) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

(ج) کلیه دعاوی دیگر ناشی از این پرونده رد می شود.

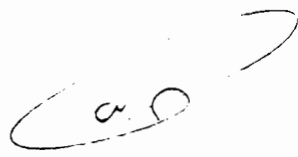
لاسه، به تاریخ ۳۰... نوامبر ۱۹۸۷ برابر با ۹... آذر... ماه ۱۳۶۶



روبرت برینر

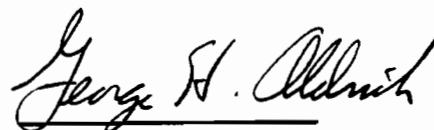
رئیس شعبه دو

بنام خدا



حمید بهرامی احمدی

موافق با قسمتی
مخالفت با قسمتی
دیگر، در مورد
دعاوی روحی بنظریه
مخالفت اینست
در آراء مربوط به
پرونده های ب ۲،
ب ۱۳، ب ۱۸ و ب ۲۰.
مراجعه شود.



جرج اچ. آلدریچ